**انترناسیونال ۷۰۴**

**حقوق کودکان و کمیسیون مجلس اسلامی**

**سیامک بهاری**

کمیسیون حقوق بشر مجلس در باره حق کودکان بیانیه صادر کرده است. این اولین بار در تاریخ عمر نکبت بار جمهوری اسلامی است، که مجلس اسلامی در باره حق کودک دارد اظهار نظر رسمی می‌کند.

کمیسیون مزبور البته در ژست نگرانی مورد سوء استفاده قرار گرفتن کودکان کار، بویژه در ایّام نوروز، به نهادها و (ان جی او)های مدافع حقوق کودکان حمله می‌کند.

این بیانیه در نوع خود منحصر به فرد است. از اینرو که آنچه کمیسیون حقوق بشر مجلس اسلامی خوانده می‌شود تا بحال ولو به ظاهر هم که شده کلمه‌ای در مخالفت با قوانین و مصوبه‌های ضد کودک مجلس اسلامی بیان نکرده است. قانونی کردن ازدواج با فرزندخوانده، تقلیل سن ازدواج کودکان بویژه کودکان دختر، زندان و اعدام کودکان، قانونی کردن آموزش پولی و کالایی و صدها موارد دیگر، این کمیسیون لام تا کام نه تنها حرفی نزده است، بلکه در توجیه همهٔ این قوانین در مقام مدافع ظاهر شده است. هر جا که نهاد "مرجع دفاع از حق کودکان" وابسته به قوه قضائیه، از سوی سازمان عفو بین‌الملل و دیگر نهاد‌های یین‌المللی تحت فشار قرار گرفته و محکوم شده است، این کمیسیون بلافاصله با خودنمایی در توجیه مصوبات و قوانین ضد کودک مجلس اسلامی عرض اندام کرده است. منطبق کردن و در واقع زیر پا گذاشتن کنوانسیون جهانی حقوق کودک با قوانین اسلامی یکی دیگر از شاهکارهای این کمیسیون است.

**بیانیه یا تهدید؟**

صدور بیانیه علنی و انتشار ‌آن توسط این کمیسیون در رسانه‌ها اقدامی بی سابقه است. نهادی که اساسا کارش ماله‌کشی و توجیه قوانین ضد بشری جمهوری اسلامی در محاکم بین‌المللی است این بار در نقش مدافع حقوق کودکان باید ظاهر شده است. این رعد برق در آسمان بی ابر نیست. فضای اعتراضی جامعه، بی حقوقی کودکان را از حاشیه به متن اصلی مطالبات مردم، پیش‌ رانده است.

جامعه انگشت اتهام بی حقوقی و وضعیت مصیبت‌بار میلیونها کودک را به سمت جمهوری اسلامی نشانه رفته است. جمهوری اسلامی خطر را احساس کرده است. مسبب و عامل بقای بی حقوقی کودکان، کمیسیون حقوق بشر مجلس را آورده است تا با امنیتی کردن دفاع از حقوق کودک، مدافعین و نهادهای دفاع از کودکان را مرعوب کنند و با فرا افکنی و انحراف افکار عمومی جامعه، شانه از زیر بار مسئولیتهای خود خالی کنند.

کمیسیون با بی شرمی و وقاحتی بی‌نظیر که فقط از دستگاههای امنیتی جمهوری اسلامی ساخته است، چنین افاضه کرده است: "... در این راستا موارد ذیل را در موضوع تخصصی کودکان کار به استحضار عموم مردم و البته دستگاه‌های نظارتی می‌رسانیم:

سوءاستفاده‌های گسترده مالی و بهره‌برداری‌های شخصی به‌واسطه کودکان کار، تلاش برای گسترش معضلات کودکان کار و نگاه سرمایه‌ای به این مسئله برای بهره‌برداری‌های خاص، همراهی با برخی فرقه‌های ضاله و شستشوی مغزی کودکان معصوم به‌واسطه اندیشه‌های فرقه‌گرایانه، تدریس آموزه‌های غیردینی و کمونیستی از دوران کودکی به افراد و تبدیل کردن آنان به مروجان اندیشه‌های انحرافی، ضرب و شتم و وارد نمودن فشار‌های روحی به کودکان به بهانه‌های مختلف، نگهداری کودکان کار در محیط‌های آلوده و غیربهداشتی اقدام به تهیه بیانیه‌های جعلی برای بزرگنمایی معضلات اجتماعی و بهره‌برداری از آن برای اهداف خاص"

عبارات فوق دقیقا برای پاپوش دوزی امنیتی و ممانعت از فعالیت نهادهای مدافع حقوق کودکان سرهم بندی شده است. در عین حال کمیسیون دارد تلاش می‌کند خود را در مقام شاکی جا بزند تا بتواند مقدمات اهداف دراز مدت تر دستگاه‌های سرکوب پلیسی و امنیتی را فراهم سازد.

کمیسیون حتی کلمه‌ای در باب چرایی کار کودکان و مسئولیت حکومت اسلامی در این باره نمی‌گوید. با رندی و فریب‌کاری مشمئز کننده‌ای کار کودک را فرض گرفته است. فقر و فلاکتی که میلیونها کودک را به بازار بی‌رحم کار رانده است، بکلی از تصویر خارج می‌کند و کارفرمایان و پیمانکاران و همه عوامل رواج کار کوکان را تطهیر می‌کند و در عوض، برای نهادهای مدافع حقوق کودکان کُرکُری می‌خواند. ناامنی و خطر کار کودکان خیابان و آسیب‌های فوق سنگینی که این کودکان را مداوما تهدید می‌کند را هم از دید جامعه مخفی می‌کند، فرمال بودن بهزیستی و امثالهم را هم کناری می‌گذارد. از استخدام علنی و آشکار هزاران کودک زباله گرد، تحت عنوان بازیافت توسط پیمانکاران شهرداری هم طفره می‌رود. گویی هیچکدام نگاه "سرمایه‌ای" به کودک ندارند! در بازار بیرحم کار اثری از خرید و فروش کودک از جنین تا نوزادی و چند سالگی هم نیست! در حاشیه نشین‌های شهرهای بزرگ هم خبری از میلیونها کودک آواره نیست!

این وسط گویا فقط چند نهاد مدافع حقوق کودکان که مداوما زیر ضرب دستگاه‌‌های جمهوری اسلامی‌اند دارند برای پیشبرد اهدافشان از کودکان کار سوءاستفاده می‌کنند! کمیسیون حقوق بشر اسلامی مجلس وقیحانه چشمش را بر بیش از هفت میلیون و نیم کودکی که بواسطه فقر و فلاکت تحمیلی به جامعه از تحصیل بازمانده‌اند، شیوع علنی و آشکار گرسنگی و سوءتغذیه کودکان می‌بندد تا به خیال خام خود با فریب افکار عمومی بتواند زمینه را برای تهاجم به نهادهای حقوق کودک فراهم کند.

**فرا افکنی به سبک جمهوری اسلامی**

یکی از مضحک‌ترین و وقیحانه‌ترین اتهامات کمیسیون مجلس اسلامی به نهادها و مدافعین حقوق کودکان، نگرانی برای مغزشویی کودکان کار است!

حکومتی که با ایدئولوژیک و پادگانی کردن فضای آموزشی کشور با تصویب و اجرای قوانین سخت‌گیرانه مذهبی، با تبدیل کردن مدارس به مسجد و حسینیه و تکیه عزاداری، و سیاه روی سفید با تصویت سند بنیادین تحول‌ آموزش و پرورش، قصدش تربیت شهید و سربازگیری از میان دانش‌آموزان است. با بازگذاشتن دست همه نهادهای مذهبی و امنیتی و نظامی و انتظامی، در آموزش و پرورش، از اعزام به جبهه جنگ و به کشتن دادن ۳۶ هزار دانش‌‌آموز، تا بسیج دانش‌‌آموزی واردوی راهیان نور، از نمازخانه و ترویج صلوات و حفظ قر‌آن و کشاندن ‌آموزش نظامی و کار با اسلحه جنگی به دانش آموزان، تا اعزام خیل آخوند به مدراس برای رفع شبهات دینی، تا محرومیت از تحصیل دانش‌‌آموزان منتسب به بهائیت، با حجاب اجباری برای دختران خردسال و جشن عفاف و مدارس طبقه بندی شده، شاهد، امین و ده‌ها مراسم عمیقا ایدئولوژیک و ضد کودک دیگر، مطلقا و سیستماتیک مشغول مغزشویی کودکان است. عربده‌کشی صادق محصولی وزیر میلیاردر، که "اگر مهد کودک‌ها شهید تربیت نکنند باید درشان را گِل گرفت و تعطیلشان کرد"، هنوز در خاطره ها مانده است! مراسم "عروسک باربی سوزان" در مهدکودک‌های تحت نظارت بسیج زنان شیراز هنوز تن جامعه را می‌لرزاند.

نگرانی کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر مجلس از اماکن غیر بهداشتی برای کودکان نیز از وقاحت و بی‌شرمی منحصر بفرد جمهوری است.

حاشیه نشینی قریب به ۲۵ میلیون نفر از جمعیت کل کشور و کودکانی که در حاشیه شهرها عامدانه به دست فراموشی سپرده شده‌اند، تا تخریبی بودن ۵۷درصدی مدارس به اعتراف صریح رئیس سازمان توسعه و تجهیز مدارس تا خطر آتش‌سوزی بخاری‌های نفتی و چکه‌ای در مدارس که جان صدها هزار دانش آموز را روزانه تهدید می‌کند و کلاسهای درسی که به قتلگاه دانش آموزان بدل می‌شود، بخشی از کارنامه سیاه جمهوری اسلامی و سند رسمی کودک ستیزی آشکار آن است را نمی‌توان زیر هیچ عبا و عمامه‌ای پنهان کرد! فقط در یک فقره از اعترافات وزارت بهداشت این حکومت مرگ سالیانه ۵۷۰ هزار کودک زیر پنج سال در اثر عفونت‌های تنفسی اعلام شده است. این کمیسیون دست ساز حکومتی باید کاسه‌کوزه‌‌اش را جمع کند و از سر راه نهادهای مدافع حقوق کودک برود!

**جمهوری اسلامی از چه وحشت کرده است؟!**

جنبش اعتراض به بی حقوقی کودکان، با عبور همه از موانعی که جمهوری اسلامی به ضرب دستگیری و زندان و امنیتی کردن دفاع از حق کودک ایجاد کرده است از حاشیه به متن آمده است! این غولی است که دیگر به شیشه بازنمی‌گردد!

این را جمهوری اسلامی بخوبی فهمیده است! برگزاری فستیوالهای دفاع از حقوق کودکان در بسیاری از شهرهای ایران تا کمپین موفق از "دریا تا دریا" برای لغو کار حرفه‌ای کودکان شهر به شهر از شمال تا جنوب را درنوردید، با استقبال وسیع مردم مواجه شد و بسرعت به وجدان عموم مردم بدل شد! این کمپین حاصل ده‌ها سال تلاش بی‌وقفه فعالین خستگی ناپذیر نهادهای مدافع حقوق کودک است. به میدان ‌آمدن جنبش عظیمی که می‌خواهد با دفاع از حقوق کودکان حرمت را به جامعه برگرداند. دفاع از حق کودک بخشی از کیفرخواست عظیم میلیونها مردمی است که به زیر خط فقر رانده شده‌اند! این جنبش امروز در تجمع‌های اعتراضی در اعتراضات کارگری، معلمین، پرستاران، بازنشستگان، مال‌باختگان و ... دارد خود را متحد و یک‌پارچه می کند. جنبش دفاع از حق کودکان در دل این اعتراضات دارد راهش را باز می‌کند و پیش می‌رود. اینجا قسمت گود استخر است! جمهوری اسلامی همین جا غرق خواهد شد!

این جنبش را به زور سرکوب و دستگیری رهبرانش نتوانستند شکست دهند! هر مانعی به سکویی از پیشرفت بدل گردید و حالا سینه در سینه جمهوری اسلامی ایستاده است و پشتوانه‌ای به وسعت کل اعتراضات اجتماعی جاری دارد.

وحشت جمهوری اسلامی و تلاش مذبوحانه‌اش برای امنیتی کردن این احقاق حق از همین جاست! کمیسیون به اصطلاح حقوق بشر مجلس باید پاسخگوی دره‌ای از فقر و فلاکتی که مردم را به ته ‌آن رانده اند باشد! این عشوه‌ها زیادی شتری است!